

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه تتبع و تعیین محل نزاع

بحث در تتبع بود.

از کسانی که در مسأله بحث دارند مرحوم شیخ عبد الکریم است. ایشان فرمودند: قائلین به موافقت التزامیه مرادشان چیست؟ اگر مراد التزام اجمالی و التزام به حکم خداوند فی الجمله باشد به این معنا که بگوید خدایا آنچه حکم تو در این قضیه است را قبول دارم، این که بحث ندارد. چون لازمه تدین و لازمه ایمان بما جاء به النبی همین است.

اگر مراد التزام قلبی به شخص حکم است به این معنا که باید عقد قلبی پیدا کند که واقع چیست، این خیلی مواقع ممکن نیست. بعنوان مثال در دوران امر بین محذورین به چه چیزی می خواهید ملتزم شوید؟

اگر مراد از موافقت التزامی قلبی بناء گذاشتن ظاهری بر احدهما باشد. به این بیان که مثلا درجایی که دو خبر متعارضند و هیچ کدام ترجیحی بر دیگری ندارد، دستور این است که طبق روایت مخیر هستید و معنای تخییر این است که یکی از این دو را بگیرید و عمل کنید با این که واقع مشخص نیست، ولی مجتهد چون دو روایت دارد و شرائطشان هم مساوی است مخیر است. الان در بحث دیه انگشتان یک بحث است که پنج انگشت دیه شان برابر است یا نه؟ روایت حلبی گوید دیه پنج انگشت برابرند که قانون کشور ما هم همین است ولی در روایت معتبر دیگری آمده است که انگشت شست یک سوم و چهار انگشت دیگر دیه شان مجموعا دو سوم است. روایات متعارضند و قابل جمع هم نیستند. شرائط هم دو روایت مساویند یکی سند بهتری دارد ولی موافق عامه و یکی سندش ضعیف است ولی مخالف عامه است و لذا مساویند. در این جا مجتهد می تواند تخییر جاری کند و یک روایت را بگیرد. حال بگوئیم مراد از موافقت التزامیه هم این است که در مثل دوران امر بین محذورین باید یکی را انتخاب کنید. ایشان می فرماید: این مطلب دلیل ندارد که در دوران امر بین محذورین بنا را بر احدهما تخییرا بگذاریم. بله در عمل یکی را انتخاب می کند ولی در بناء قلبی چه دلیل دارید که باید بناء قلبی را بر یک طرف بگذارید. (درالفوائد (طبع جدید) ص 345)

نقد اجمالی کلام مرحوم شیخ عبد الکریم حائری

عرض ما این است که ایشان فرمود: اگر مراد موافقت اجمالی باشد این لازمه تدین است و مسلم واجب است و نیاز به بحث ندارد. نکته اش این است که اگر مراد از موافقت التزامیه این شق اول باشد، اصلا قابلیت تعلق تکلیف را ندارد. چیزی که لازمه تدین و تصدیق بما جاء به النبی است، دیگر معنا ندارد که مورد تکلیف واقع شود؛ بله بگوئید خود تدین مورد تکلیف است جا دارد. که البته آن هم جای بحث دارد چون تدین هم مورد تکلیف نیست و مقدماتش مورد تکلیف است و خود تدین یک امر قلبی است. -

ان اراد القائل بوجوب الالتزام بالحکم و عدم جواز المخالفة وجوب الالتزام بالحکم الواقعي علی ما هو علیه سواء كان واجبا او حراما. - چه مستحب چه مکروه چه مباح. -، فهو مما لا ینبغی انکاره، لان لازم التدین بالشرع و الانقیاد به هو ان يتسلم ما علم انه حکم الشارع.

بعبارت دیگر خوب بود مرحوم شیخ عبد الکریم بنا بر این احتمال در زمره منکرین می رفت، البته به این بیان که اصلا قابلیت تعلق وجوب نیست نه این که موافقت التزامیه واجب است ولی دلیلی نداشته باشد.

کلام مرحوم ایروانی

مرحوم ایروانی غالباً ناقد است. ایشان می فرمایند: لم افهم المراد من الموافقه الالتزامیه و بعد می فرماید: ما چهار چیز داریم و هیچ کدام از این ها نامش موافقه الالتزامیه نیست و چیز دیگری هم نداریم:

- الف. بناء و قصد و اراده در امتثال .
 - ب. تطبیق و اذعان یعنی قبول داشتن یک حکم؛ مثل خانمی که قبول دارد حجاب حکم خداست و یک خانم دیگر قبول ندارد.
 - ج. انتساب دادن عمل به خداوند متعال موقع انجام دادن عمل. به این در اصطلاح قصد قربت گویند.
 - د. دوست داشتن عمل در مقابل کسی که عمل را دوست ندارد؛ جالب این است که انسان گاهی نسبت به نماز که انجام می دهد رغبتی ندارد و تنها به علت ترس از جهنم انجام می دهد برخلاف کسی که رغبت دارد.
- ایشان می فرمایند: هیچ کدام از این چهار مورد موافقت التزامیه نیست که بخواند محل بحث باشد و مورد پنجمی هم وجود ندارد.

نقد :

در کلام مرحوم شیخ عبد الکریم مشاهده کردیم که احتمال اولشان همین بود که مراد از موافقت التزامیه اذعان و تصدیق ما جاء به النبی باشد و فرمود اگر این مراد باشد سزاوار نیست که بحث شود فرمود این مراد نیست و خارج از بحث است یا مرحوم آقا مصطفی هم در نقد کلام پدرشان فرمودند: که موافقت التزامیه صرف علم نیست بل المراد هو البناء القلبي و الالتزام النفساني باعتبار التكليف؛ در ادامه در ضمن مثالی فرمودند: مثل کسی که قبل از ظهر بناء دارد نماز بخواند مقابل کسی که نمی خواهد نماز بخواند. این همان مورد اول مرحوم ایروانی است که عزم بر امتثال بود. به ایشان گوئیم همین موردی که شما می فرمائید موافقت التزامیه نیست را یکی از آقایان موافقت التزامیه قرار داده است. شاید ایشان به سبب عدم مراجعه این کلام را فرموده اند. هیچ بحثی بدون بال تتبع چنانکه بدون بال تفکر و تحقیق به سامان نمی رسد. البته در تتبع هم نباید افراط بشود. مرحوم ایروانی معمولاً کمتر به تتبع بهاء می دهد البته خودشان اهل تفکر و تحقیق است ولی این نقیصه در کار ایشان وجود دارد.

هر چند در تعیین محل نزاع نتوانستیم به مطلب روشنی برسیم اما از تتبع به ادله ی علماء منتقل می شویم شاید در ضمن بیان ادله این اتفاق بیفتد.

ادله لزوم موافقت التزامیه

دلیل اول: شکر منعم واجب است و موافقت التزامیه از مراتب شکر منعم است. اصول عقاید را از راه شکر منعم واجب می کنیم. و شکر منعم هم این است اگر او باوری دارد مکلف هم همان باور را داشته باشد و اگر دستوری دارد قبول کند و انجام دهد؛ پس عقد قلب و التزام از مراتب شکر منعم است.

دلیل دوم: دلیل نقلی

روایتی در تجری داشتیم که علت این که اهل آتش مخلص در آتشند با این که نهایتاً 100 سال معصیت کرده اند و اهل بهشت مخلص در بهشتند با این که نهایتاً 100 سال یا اصلاً 1000 سال اطاعت کرده اند؛ امام علیه السلام علت را این فرمودند: که چون نیت اهل آتش بر معصیت و نیت اهل بهشت بر اطاعت بود خلود پیدا کرده اند و نیت همان موافقت التزامیه است. نیت یعنی بناء داشتن بر موافقت امتثال در محسن و مخالفت امتثال در عاصی.

دلیل سوم: عقل مستقل قاطع است به این که انسان باید بناء و عقد قلبی بر امتثال تکالیف داشته باشد و لو بعداً هم انجام ندهد یا در ظرفش موفق به انجام نشود. در این جا هم موافقت التزامیه را همان نیت و بناء بر انجام گرفته است.

دلیل چهارم: حرمت تشریح دلیل بر وجوب موافقت التزامیه است. حال اگر انسان غیر آنچه خدا فرموده است به خدا نسبت دهد حرام است و لذا موافقت التزامیه به آنچه خدا فرموده است، واجب است.

الحمد لله رب العالمین